گزارش

روایت یک کارگر معدن:

هیچ‌کس از من حمایت نکرد

در حاشیه ماجرای اهدای خانه با اقساط بسیار پایین برای خانواده‌های بازمانده حادثه معدنجو، یکی از کارگران از مشکلی که دو سال قبل برایش پیش آمده برای خبرنگار تعریف کرد و بچه‌های قدونیم‌قدش را نشان می‌دهد. این کارگر از ماجرای به مشکل‌خوردن مهره‌های کمرش در معدن ذوب‌آهن می‌گوید که همان روز با واگن بهداری او را از معدن بیرون می‌رانند و راهی بیمارستان می‌شود، ولی همان موقع به او در بیمارستان چند آمپول مسکن می‌زنند تا دوباره به معدن برگردد، وسایلش را بردارد و به خانه برود. وقتی به خانه برمی‌گردد، متوجه می‌شود سه مهره کمرش از بین رفته است. بعد از مدتی که مرخصی درمانی داشت، اسمش را از فهرست کارگران خط زدند.

رمضان‌علی صنعتی، کارگری که حالا مشکل کمر حتی توان کارگری ساده را هم از او گرفته است، می‌گوید: «من در یکی از روستاهای طبس زندگی می‌کنم. دو سال شده که کسی اصلا جوابگوی من نیست. دکتر به من نامه داد که باید به من کار سبک بدهند، اما معدن این نامه را قبول نکرد. من آخرین بار حقوق هشت تومان گرفتم. الان هم برای بنایی سر کار می‌روم، اما بعد از چند روز نمی‌توانم کار کنم. از درد کمر مجبورم ادامه ندهم و کسی پاسخ‌گوی من نیست. من به دلیل کار در معدن کمرم به مشکل برخورد، ولی هیچ حمایتی از من نکردند».

معدن؛ سخت‌ترین کار جهان

کار در معدن از سخت‌ترین مشاغل دنیا به حساب می‌آید و سالانه تعداد زیادی از کارگران معادن مختلف دچار صدمه، آسیب، معلولیت و مرگ می‌شوند و این صدمات ریشه در مسائل مختلفی همچون عدم رعایت بهداشت کار، ایمنی و همچنین بی‌توجهی سرپرستان دارد. در اصل، نادیده‌گرفتن عوامل فیزیکی، شیمیایی و ارگونومیک (گردوغبار، گازهای معدن، صدا، روشنایی نامطلوب، درجه حرارت و...) می‌تواند خطرات زیادی برای افراد شاغل در معدن داشته باشد. سرطان ریه، بیماری لوسمی، سرطان خون، تالکوز، مزوتلیوما، سرطان مثانه، برونشیت مزمن، اختلالات دستگاه عصبی، نارسایی کلیه، صدمه‌دیدن عملکرد دستگاه تولید مثل و... از مهم‌ترین خطراتی هستند که افراد شاغل در معادن را تهدید می‌کنند. با توجه به موارد گفته‌شده، رعایت اصول ایمنی در معادن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و باید تمامی قوانین و اصول رعایت شوند. قانون ایمنی معادن در ۴۷۵ ماده نوشته شده است که رعایت آن به کاهش حوادث و بیماری‌های شغلی منجر خواهد شد.

برای مثال، برای پیشگیری از خطرات انفجار و آتش‌سوزی در معادن، ماده ۲۱ قانون ایمنی که توسط شورای‌عالی امنیت تصویب شده است، می‌گوید: «ورود افراد همراه با سیگار، کبریت، فندک یا هر نوع وسایل و لوازم آتش‌زا به معادن زغال‌سنگ و سایر معادنی که خطر آتش‌سوزی یا انفجار داشته باشند، مانند معادن استخراج گیلسونایت، مطلقا ممنوع است». همچنین ماده ۳۲ با در نظر گرفتن خطر ریزش معدن عنوان کرده است: «در حفر ترانشه برای اکتشاف و نمونه‌برداری باید دقت شود تا خطر ریزش دیواره وجود نداشته باشد و در صورت لزوم با وسایل مناسب نگهداری شود. در ترانشه و چاهک‌هایی که به عمق بیش از ۱.۵ متر هستند باید برای بالا و پایین رفتن از نردبان استفاده شود». در ماده ۳۳ نیز که به خطر انباشتگی گاز اشاره می‌کند، عنوان شده است: «در ترانشه و چاهک‌هایی که خطر انباشتگی گاز وجود دارد، ورود و کار افراد باید پس از تهویه و اطمینان از بی‌خطربودن آن محل‌ها انجام شود». امروزه تعدادی از کارفرمایان به منظور فرار از تعهدات قانون کار، از عقد قرارداد با نیروهای کار گریزان هستند و این کار می‌تواند عواقب و مسئولیت‌های زیادی برای آنها به همراه داشته باشد. براساس قانون کار، چنانچه در مشاغلی که جنبه مستمر دارند، کارگری بدون قرارداد مشغول به کار باشد، قرارداد او قرارداد کار دائم محسوب خواهد شد؛ به همین دلیل کارفرمایانی که می‌خواهند از نیروهای کار خود برای مدتی موقت استفاده کنند، حتما باید قرارداد قانونی با کارگران خود عقد کنند تا درگیر چنین مشکلاتی نشوند. عقد قرارداد علاوه‌بر کارفرما، می‌تواند برای نیروهای کار نیز اهمیت بالایی داشته باشد. در حقیقت کارگران و نیروهایی که تحت قراردادهای قانونی مشغول فعالیت باشند، می‌توانند از تمامی مزایای قانونی خود بهره‌مند شوند که شامل حقوق، مزایا، سنوات، مرخصی‌ها، پاداش و... است.

گزارش میدانی «شرق» از مراسم چهلم در طبس؛ خبرنگاران را به معدنجو راه ندادند

زخمی بر جان طبس

نسترن فرخه: به یاد کارگران معدنجو در چهلمین روز حادثه راهی طبس شدیم تا راوی خانواده‌هایی باشیم که باید به‌جای خالی عزیزان خود عادت کنند و ماجرای معدنی که ناایمنی آن نه‌تنها جان ۵۳ نفر را گرفت و تعداد زیادی را مصدوم کرد، بلکه همچنان به این رویه خود ادامه خواهد داد. به شکلی که بسیاری از کارگران از ترس جان مجبور به استعفا از کار شدند و برخی دیگر به دلیل ترس عواقب بیان مطالباتشان، از سر ناچاری سکوت کردند.

امامزاده سیاه‌پوش از کارگرانی که دیگر به خانه برنمی‌گردند

صدای سخنرانی مسئولان دولتی در هیاهوی صحن امامزاده می‌پیچید که برای چهلم به طبس آمده‌اند. بلندگو سعی دارد با تمام قدرت صدا را در گوش حاضران امامزاده فروکند؛ اما صدای شیون و گریه خانواده کارگران بلندتر از ناقوس این صداهای تکراری است. صدای بازماندگانی که عزیزشان دیگر به خانه باز نخواهد گشت، رنج این ۴۰ روز را عیان‌تر می‌کند. بنر بزرگ داخل صحن، عکس ۵۳ کارگری را نشان می‌دهد که بیشترشان در شروع زندگی، قربانی معدنی شدند که آنها را کشت. مادر جواد بهشت‌زاد، کارگر جوانی که دو فرزند قدونیم‌قد از خود به جای گذاشت و برای همیشه رفت، روی قبر دراز می‌کشد و با نوای گرمی با او خداحافظی می‌کند. پیرزن تمام تنش از درد دوری می‌لرزد، جوانی زیر بغلش را می‌گیرد و او را بلند می‌کند. در بین این جمعیت، صدای گریه‌های خانواده محمدجواد قاسمی همه را میخکوب می‌کند. دختر هفت‌ماهه محمدجواد روی قبر بابا نشسته و با گل‌های زر سفید روی قبر بازی می‌کند. پدر محمد، نورا، نوه‌اش را در آغوش می‌گیرد و پدرزنش دستان لرزانش را روی صورت می‌گیرد و بلندبلند با سوزی مردانه گریه می‌کند.

پدری که فقط عکسش مانده

اینجا هر عزادار داستانی دارد. همچون همسر مجید مرادی، زن جوانی که عکس همسر جوانش را در آغوش گرفته در حیاط امامزاده بالا و پایین می‌رود. با هزار حسرت عکس و فیلم‌های همسرش را به ما نشان می‌دهد، صحنه‌ای از این پدر خندان که درحال رقص و پایکوبی در خانه است و بچه‌ها با لبخند دور او می‌چرخند و آواز می‌خوانند. زن مجید مرادی با چشمان نم‌زده به صورت ما خبرنگارانی که دورش را گرفته‌ایم نگاه می‌کند و می‌گوید: «اما او دیگر برنمی‌گردد، مجید دیگر این‌طور نخواهد خندید. من ماندم با دو فرزندم و یاد پدرشان که دیگر نیست. من داغ از این بزرگ‌تر نمی‌شناسم. درحال انفجار هستم و کسی نمی‌فهمد چه حالی دارم. همسرم همیشه از سختی کارش برای ما می‌گفت. با کار خطرناک و ناایمن و حقوق بخورونمیری که به ما می‌دانند، نباید دیگر جانش را هم می‌گرفت».

محمدجواد قاسمی به دیگر کارگران گفته بود داخل معدن نرویم

دوربین‌های صداوسیما در حیاط امامزاده می‌چرخند تا چیزی را ثبت کنند که دیگر خبرنگاران نمی‌بینند، ما اشک روی صورت این خانواده‌ها را می‌دیدیم که نوزای هفت‌ماهه به دلیل خطای انسانی تا همیشه بی‌پدر شده است. اما آنها فقط خنده‌های این کودک را ثبت کردند که هنوز خبری از آنچه بر سرش آمده ندارد. پدر محمدجواد قاسمی از ناایمنی معدنجو می‌گوید که پسرش همیشه درمورد آن می‌گفته. از نبود لباس و کفش ایمن تا هوای مملو از گازی که همه را به کشتن داد.برای ما این‌طور می‌گوید که پسرم همان روز به بچه‌ها گفته بود داخل معدن نروید، چون گاز زیاد است؛ اما همه مجبور بودند کار کنند. حتی ناراحت می‌شود، گوشی‌اش را به زمین می‌کوبد و می‌گوید بچه‌ها داخل نروید. بااین‌حال سرشیفتشان می‌گوید هرکسی که می‌خواد برود داخل هرکسی هم که نمی‌خواهد تسویه کند و برود دنبال کارش. پسر من چون نمی‌خواسته برود داخل، نیم‌ساعت هم دیرتر می‌رود داخل معدن که این‌طور می‌شود که کاش نمی‌رفت. کاش نمی‌رفت و حالا نورا پدر داشت. در همان لحظه، نورا، دختر محمدجواد دست ما خبرنگارها را محکم می‌گیرد و با خنده‌ای بلند شروع به بازی می‌کند. پدرخانم محمدجواد این صحنه را که می‌بیند، گویی داغ دلش داغ‌تر شده، دخترش را که کنار قبر همسر بی‌صدا ایستاده نگاه می‌کند و با بی‌قراری گریه می‌کند.

همه‌جای این امامزاده داغ‌دار ایستاده

حالا فقط چند قدم آن‌طرف‌تر زنی جوان، چادری با گل‌های سفید بر تن دارد که همسر براتعلی غریب است. کارگری که در بلوک سی معدنجو همچون نامش، غریبانه بر اثر انفجار گاز کشته شد. پدری که پسر ۱۳ساله و همسر جوانش را برای همیشه تنها گذاشت. همسرش که از گلستان و فقط برای زنده‌نگه‌داشتن یاد همسرش به طبس آمده، از ناایمنی‌ای که بلای جان همسرش شد گله دارد. با دست صورت خیسش را پاک می‌کند، صدایش را صاف می‌کند و می‌گوید: «همسرم تعریف می‌کرد که حین کار لباس‌های ما جرقه می‌زند و این خطرناک است. برای همین آنها را درمی‌آوردند. شما بگو این لباس‌ها را چه‌کسی به آنها می‌داده؟ غیر از اینکه معدن این

لباس‌ها را به آنها می‌داده؟ غیر از این است که همه عزیزان ما شهید محسوب می‌شوند؟ اما چرا هیچ خبری نیست؟».

کودکی که با بابا خداحافظی می‌کند

کم‌کم صدای سخنرانی مسئولانی که برای سخنرانی از تهران به طبس آمده‌اند، تمام می‌شود و فرزند یکی از کارگران پشت میکروفن شروع به خواندن یک دل‌نوشته می‌کند. صدای کودکانه اما لرزان او همه ما را میخکوب خود می‌کند. با پدرش حرف می‌زند و با او وداع پردردی می‌کند؛ پدری که دیگر نیست و جای خالی او تا همیشه درد بزرگی خواهد بود. صدایش لرزش بیشتری می‌گیرد و در پایان صحبت‌هایش خطاب به مسئولان دولتی سؤالی می‌پرسد؛ شما می‌دانید چه بر سر ما آمده است؟ با آنکه مشخص است سن‌وسال کمی دارد، اما از آنها می‌خواهد ایمنی معادن کشور را به حدی تأمین کنند تا کودک دیگری بی‌پدر نشود.

ما خبرنگاران را به معدنجو راه ندادند

بعد از برگزاری این مراسم که شورای اطلاع‌رسانی دولت برپا کرده بود، عده‌ای از ما خبرنگاران با هماهنگی این شورا راهی معدنجو شدیم. معدنی که ناایمنی آن منجر به بیشترین خسارات جانی کارگران معادن کشور شده است. با تعدادی از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران وارد جاده اصلی شرکت معادن طبس شدیم. تپه‌های تیره و ریل واگنت‌های حمل زغال‌سنگ که هرازگاه از بالای تپه‌ها حرکت می‌کردند. راننده از جلوی بلوک بی معدنجو حرکت می‌کند. جایی که انتشار گازش منجر به مصدومیت شدید کارگران شد. کارگرانی که هنوز هم با فراموشی، سردرد شدید و مشکلات تنفسی دست‌به‌گریبان هستند. دو کیلومتر جلوتر به بلوک سی معدنجو می‌رسیم. جایی که انفجار اصلی معدنجو رخ داد و کشته‌های بسیاری برجای گذاشت. بعد از حدود ۲۰ دقیقه از ورودی اصلی معدن، وارد ورودی محوطه معدنجو می‌شویم. از دور مشخص است که معدن کار خود را شروع کرده و تعداد محدودی کارگر با لباس‌های تیره درحال رفت‌وآمد هستند. همان موقع حراست و مسئول دیگری از معدنجو که نام آنها را نمی‌دانیم با لحن تندی جلوی ماشین ما را می‌گیرند و مانع ورود خبرنگاران می‌شوند. با وجود اینکه ما با هماهنگی کامل اینجا حضور داریم اما به ما می‌گویند باید با شخص مسئول معدنجو هماهنگ می‌کردیم که به همین دلیل مجبور به بازگشت از معدن می‌شویم.

کارگران می‌ترسند خواسته‌هایشان را مطالبه کنند

در راه برگشت هرازگاه کارگری را می‌بینیم که در جاده منتظر ماشین است. همه آنها با ترس حرف می‌زنند. ترس از اینکه نام آنها را در گزارش و نوشته‌هایمان ببریم. آنها از عواقب درددل با ما می‌ترسند و برای همین حتی همه‌چیز را هم نمی‌گویند. یکی از آنها که در حادثه معدنجو دوستان و همکارانش را از دست داده برای ما از روزهای سخت نبود همکارانش می‌گوید. از اینکه جای خالی آنها باعث شده با سختی سر کار بیاید. یکی از آنها که تا پیش از این ساکت بود، می‌گوید: «این دردی را که ما از نبود همکارانمان تجربه می‌کنیم، هیچ‌کس نمی‌فهمد. ما همه از حرف‌زدن ترس داریم. می‌ترسیم چیزی بگوییم و تا بعد از آن با ما برخوردی شود یا در آخر معدن تعطیل شود. از ناایمنی معدن چیزی بگوییم، می‌ترسیم کار به تعطیلی معدن برسد». کارگر دیگری از نداشتن نمایندگی بین کارگران معدن می‌گوید که آن‌قدر فضای بینشان امنیتی است که همه از هم می‌ترسند. یک جمله ثابت در بین آنهاست: «از خودشان هستند». برای همین همه می‌ترسند تا نمایندگی از خودشان تشکیل دهند که کارهای مطالباتی را آنجا انجام دهند.

طبق آنچه ما خبرنگاران متوجه شدیم، بلوک سی معدنجو به صورت نیمه‌کار، کار خود را شروع کرده است. بااین‌حال بین بسیاری از کارگران، جریانی راه افتاده تا هرکسی که امکانش را دارد استعفا دهد. پیش از این هم بسیاری از کارگران معدنجو به خبرنگار «شرق» درباره استعفای خود گفته بودند. افرادی که قید کار در معدن را زدند و قصد انجام کارهایی غیر از آن را دارند. حتی در راه برگشت از معدن هم ما خبرنگاران با کارگرهایی هم‌صحبت شدیم که استعفا داده بودند و آخرین روز کاری آنها بوده است. جوانی لاغر، ساک بزرگی بر دوش داشت و از روزهای سخت کار و رفتارهای برده‌وارانه که با آنها در معدن می‌شود برای ما می‌گفت. از حقوق‌های ناچیز تا ناایمنی‌ای که هر کارشناس تازه‌کار هم اگر وارد معدن شود، متوجه خواهد شد.

ما که چاره‌ای جز ثبت روایت نداریم

برای دومین بار با هدف ثبت رنج این کارگران راهی طبس شدم، برای زنده‌نگه‌داشتن یاد کارگران شریف و مظلومی که خطای انسانی جانشان را بی‌جان کرد. شاید هرگز مسببان این ماجرا جمله‌ای از گزارش ما را نخوانند اما ما باید آن‌قدر از وقایع تلخ، همچون ماجرای معدنجو بنویسیم تا هرگز از خاطر هیچ‌کداممان حذف نشود و دیگر هیچ خانواده‌ای سرنوشت خانواده کارگران طبس را پیدا نکند. همچون صدای لرزان کودکی که در چهلمین روز نبود پدر، برای همیشه با او خداحافظی کرد.

خبر

خانه‌هایی با اقساط ارزان برای خانواده کارگران کشته‌شده در معدنجو

همه اهالی روستا جلوی در یکی از خانه‌ها دور هم جمع شده‌اند تا مسئولان دولتی برای تحویل خانه از راه برسند. چند وزیر با گروهی خبرنگار از راه می‌رسند و جلوی در خانه می‌روند. همسایه‌ها منتظر شروع برنامه هستند و با هیجان داخل خانه را نگاه می‌کنند. مسئولان برای اهدای کلید خانه به همسر یکی از کارگران فوت‌شده داخل خانه می‌روند. برای چند دقیقه درهای خیاط خانه بسته می‌شود. یکی از خانواده‌هایی که همسرش در معدن فوت شده جلو می‌آید و می‌گوید به ما گفتند قرار است به خانواده‌هایی شبیه ما خانه بدهند، گفتند دو سال بعد اجاره آن شروع می‌شود که ماهی حدود دو میلیون است. اگر این اتفاق بیفتد نگرانی من به عنوان مادر خیلی کمتر می‌شود. هرچند نمی‌دانیم چقدر این ماجرا حقیقت دارد.

این واحد مسکونی به خانواده یکی از جان‌باختگان حادثه معدن توسط محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرائی رئیس‌جمهور و فرزانه صادق‌مالواجرد، وزیر راه و شهرسازی تحویل داده شد. به گزارش فارس، قائم‌پناه در حاشیه مراسم چهلمین روز جان‌باختن معدن‌کاران طبس در جمع خبرنگاران اظهار کرد: حقوق و مسکن به خانواده‌های داغ‌دار معدن طبس درحال پرداخت و تحویل است و هرآنچه مقررات تعیین کرده درحال انجام است. مستمری آنان را هم افزایش دادیم و کارفرما برای برخی از فرزندان معدن‌کاران جان‌باخته طبس نیز شغل در نظر گرفته است. وسایل زندگی و جهیزیه هم برای پنج تا شش نفر پرداخت شده است. امکاناتی را که لازم بود، فراتر از قانون تحویل داده‌ایم و کمتر از آن نداده‌ایم. کمک‌های مالی به‌موقع انجام شده تا نگرانی‌های کسانی که همسر و سایه سر خود را از دست داده‌اند تا حدی برطرف شود. رئیس مجلس شورای اسلامی به همراه معاون اجرائی رئیس‌جمهور و وزرای تعاون، کار و رفاه اجتماعی و صنعت، معدن و تجارت پنجشنبه به‌منظور شرکت در آیین چهلمین روز جان‌باختگان حادثه معدن زغال‌سنگ طبس وارد فرودگاه طبس شدند. زیارت مزار مطهر شهدا، حضور بر سر قبور محمدجواد بهشتی‌زاده و محمدجواد قاسمی از جان‌باختگان حادثه معدن طبس، شرکت در مراسم بزرگداشت چهلمین روز درگذشت جان‌باختگان معدنجو، دیدار با خانواده‌های آنان و اهدای واحدهای مسکونی به خانواده جان‌باختگان، از جمله برنامه‌های این سفر بود.

جدول ۴۹۰۴ طراح: بیژن گورانی

افقی: ۱- تعمیرگاه قسمت‌های برقی خودرو- از ادویه مخصوص غذا ۲- چراغ- از غذاهای سریع و ساده بین‌المللی- لغزنده ۳- باران ابرهای غصه- جنگ و پیکار- گل نیلوفر آبی ۴- از کتب مهم سطوح عالی حوزه‌های علمیه- بسیار بخشنده- از نرم‌افزارهای پیام‌رسان داخلی ۵- نفس- قطب منفی باتری- خوراکی از اسفناج ۶- عطرمایه- ساختن زینت‌آلات طلا- غذای رقیق ۷- بیشه- به‌آهستگی- مجموعه‌شعری از سهراب سپهری ۸- قاعده- آکروباسی- زمستان ۹- بهره هوشی- به حالت خمیده- بامداد ۱۰- راز- نوعی بیسکوییت ساده- سرشار ۱۱- هال- بالش زینتی روی کاناپه- به‌نفع او ۱۲- حمام لاغری- طلایی- با اعتبار ۱۳- ورزشی رزمی- پرسش- جامه گشاد مردانه قدیم ۱۴- خواندن و نوشتن نمی‌داند- پول و سرمایه- ارز مرجع در مبادلات بین‌المللی ۱۵- برانگیختن- برنده مدال طلای تکواندوی وزن ۸۰+ کیلوگرم المپیک ۲۰۲۴ پاریس

عمودی: ۱- فرکانس- سردار رومی که مغلوب سورنا شد- نشانه جمع مؤنث عربی ۲- منظومه حماسی فارسی سروده سیاوش کسرایی- از هفت‌قلم آرایش قدیم ۳- پول بنگلادش- رهرو- صاحب کتاب سیرالعباد الی‌المعاد ۴- ردیف- سیستم نمایش تصویر رنگی در تلویزیون- اسب اصیل و تندرو ۵- بعد از مهر- بهابازار- جای خلوت و آرام ۶- اشتباه- اهل سنت بودن- خواروبار ۷- گلابی- یاری‌کننده- بله روسی ۸- برگزیده- حشره‌ای با پنج چشم- آسان ۹- زمین آذری- غیرطبیعی- معاصر ۱۰- هریک از بخش‌های پوششی گل- جانوری با سیصد دندان- معنی لغوی تیمور ۱۱- امر به رفتن دارد- شهری در استان اردبیل- سربریده ۱۲- بنیان‌نهادن- آفریننده- خلوت ... نیست جای صحبت اضداد ۱۳- قسمت خمیده لوله- تخم ماهی- ظاهرشدن ۱۴- نمره عالی- کنایه از سالخورده نزدیک به مرگ است ۱۵- موی مجعد- سوره نودوچهارم قرآن- بی‌مذهب

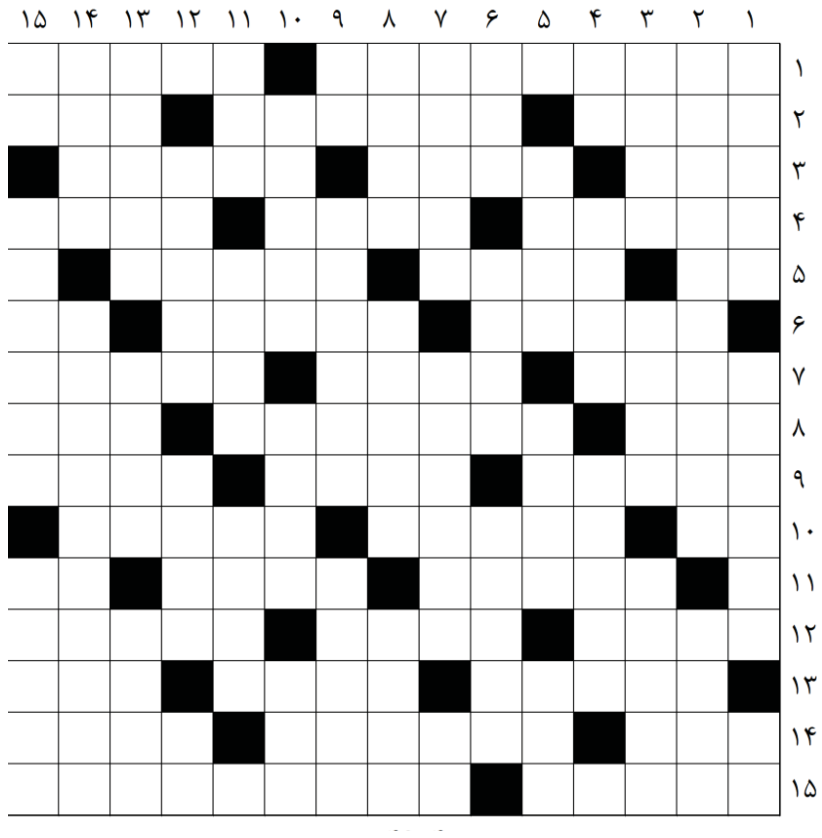

حل سودوکو ۳۹۸۹

۸	۵	۲	۱	۹	۳	۴	۶	۷
۱	۴	۹	۶	۷	۲	۸	۳	۵
۳	۶	۷	۸	۴	۵	۲	۱	۹
۷	۳	۶	۹	۲	۸	۵	۴	۱
۲	۱	۵	۳	۶	۴	۷	۹	۸
۹	۸	۴	۵	۱	۷	۳	۲	۶
۶	۷	۸	۴	۳	۹	۱	۵	۲
۴	۲	۱	۷	۵	۶	۹	۸	۳
۵	۹	۳	۲	۸	۱	۶	۷	۴

۳	۷	۵	۲	۴	۶	۹	۸	۱
۸	۴	۹	۷	۵	۱	۶	۳	۲
۶	۱	۲	۹	۸	۳	۷	۴	۵
۷	۶	۱	۴	۲	۸	۳	۵	۹
۹	۸	۳	۵	۱	۷	۲	۶	۴
۲	۵	۴	۳	۶	۹	۱	۷	۸
۱	۲	۸	۶	۷	۴	۵	۹	۳
۴	۳	۷	۱	۹	۵	۸	۲	۶
۵	۹	۶	۸	۳	۲	۴	۱	۷

حل جدول ۴۹۰۳

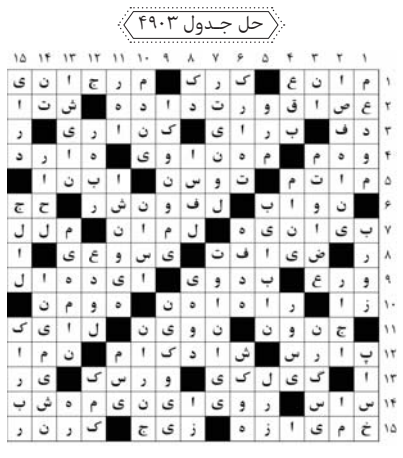

سودوکو سخت ۳۹۰۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۱					۵	
۶		۸			۲			۱
۹			۶					
۳		۲			۹			
۴	۸			۳			۹	۲
			۲			۴		۳
					۳			۴
۲			۹			۳		۷
	۵					۶		

سودوکو ساده ۳۹۰۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۳		۶		۴				
۲			۵				۴	
۵				۳	۶	۱	۲	
			۴		۳		۵	۲
				۹				
۸	۳		۷		۲			
	۴	۲	۱	۶				۵
	۷				۵			۱
				۷		۲		۹